

همه چیز کاملاً طبیعی است...

مهستی شیرازی: سرانجام اصولگرایان به درستی گفته‌های میرحسین موسوی پی بردند، اما چه دیر!

افسوس! هنگامی که دو سال پیش - در چنین روزهایی - میرحسین موسوی از دلایل خود برای شکستن سکوت بیست ساله می‌گفت، اصولگرایان چنان در بازی حفظ قدرت غرق بودند که مصلحت کشور و منافع ملی را فراموش کرده و از ترس آنکه مبدا ندای اصلاح‌طلبی جان بگیرد تمام قد به دفاع از احمدی‌نژاد برخاستند و تمام تخم‌مرغ‌هایشان را در سبد او گذاشتند.

روزی که میرحسین موسوی از خطرهای «مدیریتی که بر اساس ماجراجویی و بی‌ثباتی، رفتارهای نمایشی و قهرمان‌نمایی و شعاری، خیال‌بافی و خرافه‌گرایی، پنهان‌کاری، خودمحوری، قانون‌گریزی، سطحی‌نگری و روزمرگی و افراط و تفریط...» گفت، آنان نه تنها هشدار صادقه‌انه میرحسین را نشنیدند، بلکه بر او نیز تاختند که چرا از تریبون‌های صدا و سیما، «دولت خدمتگزار» را به خرافه‌گرایی و خرافه‌پرستی متهم می‌کنند!

اما! این روزها که آثار مدیریت جن‌گیرها و خرافه‌پرستان به تمامی آشکار شده و کشور در آستانه فروغ‌طلبدن به بزرگ‌ترین بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و امنیتی است، نزدیک‌ترین یاران و منصوبان رهبری هم از خرافه‌پرستان و مرتاض و جن‌گیر می‌گویند و از مدیریت کشور بر اساس آن می‌نالند و دستاورد خرافه‌پرستان! و زحمات دولت خدمت‌گزار! را انکار می‌کنند. گویی فراموش کرده‌اند که این حلقه پرورده و برکشیده کدام نهاد است.

از کوزه همان برون تراود که در اوست. آقایان فراموش کرده‌اند آنچه در کشور می‌رود، حاصل طبیعی یک‌دست کردن قدرت است. همه چیز طبیعی است: خوبان کشور که در حصر باشند، بدها به جان کشور می‌افتند. کارشناسان ارشد که زندانی شوند، به کارشناسی جن‌گیر و رمال باید بسنده کرد. استادان که از دانشگاه اخراج شوند، دانشگاه میدان خرافه‌پرستان خواهد شد. علوم انسانی را که ندیده بگیریم، حاصلی جز خرافه‌نخواهییم داشت. کتاب‌ها را که از علوم دقیقه پاک کنیم، بر صفحاشان دروغ و خرافه خواهند نوشت و...

مردم اما! نگران‌اند. نگران‌اند که از «انتخاب میان بد و بدتر» به «دعای بد و بدتر» رسیده‌اند. به خود می‌گویند: کاش دعوی اخیر آقایان دعویایی بر سر قدرت نبود. کاش همه ماجرا، ماجرای «انتخابات یک مجلس» و «انتصاب یک وزیر» و «انحصار یک قدرت» نبود. کاش هشدار میرحسین را شنیده بودند. کاش به قانون، به اخلاق، به اصول، به راه و رسم میرحسین باز گردند.

اخبار کوتاه

افزایش ۷۵ میلیارد تومانی بودجه سپاه پاسداران

نمایندگان مجلس به پیشنهاد کمیسیون شوراها، ۷۵ میلیارد تومان به بودجه سپاه پاسداران در لایحه بودجه ۹۰ اضافه کردند. نمایندگان مجلس در ادامه بررسی لایحه بودجه ۹۰، با الحاق جزئی به ردیف بودجه سپاه، مقرر کردند ۷۵ میلیارد تومان به منظور تامین هزینه‌های ماموریتی به ردیف بودجه این نهاد اضافه شود.

روایت تکان‌دهنده ضیا نبوی، زندانی سیاسی از زندان کارون اهواز: آقای لاریجانی! اینجا زندان کارون است؛ روز زندگی انسانی و حیوانی



بگویم که اصلاً واژه بهداشت در این زندان کاملاً نامانوس است. در زندانی با این تراکم از جمعیت و با چنین زندانیانی و با چنین ساختمان کهنه‌ای، انصافاً بیش از این هم انتظاری نمی‌شود داشت. تعدادی از زندانیان در بیرون از زندان به اصطلاح «کارتن خواب» بوده‌اند و سبک زندگی خود را به این مکان هم انتقال داده‌اند افرادی که هرگز حمام نمی‌روند، لباس‌هایشان را عوض نمی‌کنند، از هیچ ماده شوینده‌ای استفاده نمی‌کنند و حتی چیزی هم به پا نمی‌کنند و مسیر توالت و حمام و بقیه جاها را با پای برهنه طی می‌کنند. با وجود چنین افرادی باید وضع بهداشتی بند برای شما کاملاً قابل تصور باشد.»

اما مشکل فاضلاب هم در نامه ضیا نبوی مورد توجه قرار می‌گیرد. وی می‌نویسد: یکی از بزرگترین مشکلات بند مشکل فاضلاب آن است از طرفی به علت نبود مه‌ار مناسب در سیستم فاضلاب، موش و سوسک به سادگی از آن بیرون می‌آید و دیدن آنها دیگر جز معمول زندگی زندانیان شده است. مشکل دیگر که بسیار جدی‌تر است گرفتن هرازگاه مسیر فاضلاب و بیرون زدن آن از کف هواخوری است که در ابتدا حیاط‌خواب‌ها را آواره می‌کند این فاضلاب که گاه کل فضای هواخوری را پر می‌کند معمولاً تا مدت‌ها در این وضع باقی می‌ماند و انصافاً آلودگی و بوی تعفن ناشی از آن دیوانه‌کننده است تا جایی که گاه اشتیاق هوای پاک تبدیل به آرزو می‌شود.

وی بخش دیگر این نامه را به غذای زندان اختصاص می‌دهد و می‌نویسد: «مردم غذای زندان هیچ نمی‌گویم که احتمالاً مقوله‌ای سلیقه‌ای تلقی می‌شود ولی همین قدر بس که آشپز محترم حتی زحمت پوست کندن سیب‌زمینی‌های استفاده شده در غذا را به خود نمی‌دهد. فروشگاه زندان به طور متوسط هر شش هفته یک بار مقدار اندکی میوه می‌آورد که در بهتری‌ترین حالت با کشمشک بسیار سهم هر زندانی یک کیلو میوه در شش هفته است و این سبب شده بیماری‌های ناشی از کمبود ویتامین در زندان شایع باشد.»

ضیا ادامه می‌دهد: «در مورد امکانات ارتباطی نیز مشکلات زیادی وجود دارد. ابتدا اینکه هیچ روزنامه و مجله‌ای در زندان وجود ندارد و امکان وارد کردن آن نیز میسر نیست. در مورد کتاب نیز سختگیری‌های زیادی وجود دارد و حداقل شخص خود تاکنون نتوانستم کتاب‌های مورد نظر خود را که هیچ موردی نیز ندارد و عموماً در مورد فلسفه و فیزیک و ادبیات است را وارد زندان کنم. در مورد تلفن نیز باید بگویم که مدت تماس تلفنی برای هر زندانی در بند ۶، هر هفته تنها ۳ دقیقه است که پر واضح است که چنین زمانی برای شخصی که با خانواده خود بیش از هزار کیلومتر فاصله دارد، بسیار ناچیز است.»

او در پایان به محمد جواد لاریجانی می‌نویسد: «حرف‌های زیادی هست که احساس می‌کنم نوشتن از آنها احتمال موثر بودن و به نتیجه رسیدن این نامه را کم‌رنگ‌تر می‌کند و از این رو از آنها صرف‌نظر می‌کنم. به هر روی امید من این است که با نگاشتن این نامه، نظر مسئولان امر تا حدی به این شرایط فاجعه‌بار جلب شود و از این رهگذر بهبودی در وضعیت این زندان حاصل آید. وضعیتی ناگوار که اگر بخواهم با موجزترین جمله بیانش کنم وضعیتی مرزی بین زندگی انسانی و زندگی حیوانی است.»

زیرکی را گفتیم این احوال بین خندید و گفت صعب روزی، بوالعجب کاری، پریشان عالمی * متن کامل این نامه را در سایت کلمه بخوانید.



سوال این است که آیا روش و سیره دولتمردانی که ادعای مسلمانی و اسلام دارند و دروغ می‌گویند با سیره فاطمه زهرا که یکی از القاب ایشان صدیقیه است یعنی صداقت و دوری از کژی و دروغ کوچک‌ترین سازگاری داشته است؟

میرحسین موسوی، دیدار با جمعی از مدرسین و طلاب حوزه‌های علمیه باتوان

پاده‌اغت

مدعیان اصول چه دیر امپراطوری دروغ را شاخندند

گروه سیاسی: این روزها یادآور حال و هوایی است که دو سال پیش در هر کوی و برزن این سرزمین بزرگ و در میان مردم بزرگتر آن شاهد بودیم: بیداری از کرختی بی‌تفاوتی که پس از سرخوردگی از دوران پرفراز و نشیب اصلاحات و برخورداری تمامیت‌طلبانه با خاتمی نجیب دچارش بودیم، بازگویی درد دل‌های چندین ساله‌مان که پیش از آن از بازگویی‌شان هراس داشتیم، و انفجار نشاط و تحرکی که زندگی خاستری شهر و روستایمان را رنگین ساخت.

نقاش ما تصمیم گرفت از کارگاه خود پا بیرون نهد و بزرگترین نقش زندگی‌اش را به ما هدیه کند، و ما که با ناباوری بازگشتش را نگاه می‌کردیم و شکستن سکوتش را می‌شنیدیم، دست در دست یکدیگر، شهرها و روستاها را یکی پس از دیگری سبز کردیم و چشم انتظار امید، به تحولی زندگی بخش، امید بستیم. تا آن که زمان سخن گفتن در رسانه‌ای که تا آن از آن مردم نبود فرا رسید و از میر و شیخ شنیدیم آنچه پیش از آن در دل‌هامان ناگفته مانده بود: اینکه زمام کشور به دست دولتی ناکارآمد افتاده که با ارایهٔ آمار دروغ سعی در نمایش کارآمدی دارد، اینکه میلیاردها از بودجهٔ کشور ناپدید شده، اینکه ذخایر ارزی کشور به باد داده شده، و این که بجای مدیریت مدبرانه، به رمالی و جن‌گیری متوسل شده. گذشت آنچه همه می‌دانیم و سرقت رأی و اهانت به شعور مردم و دیگر داستان‌های تلخ، و خطیبان جمعه برآشفته که نامزدهای منتقد، دولت را به دروغ‌گویی، دزدی و رمالی متهم می‌کنند. این روزها اما، حامیان دیروز دولت منتصب، از جن‌گیری دولتمردان سخن می‌گویند و از خالی شدن حساب ذخیره ارزی و از آمارهای دروغ، و خطیبان جمعه گویی امروز فراموش کرده‌اند که بر زبان راندن همین سخنان تا دیروز جرایش اتهام و ناسزا و زندان و شلاق و حبس و حصر بوده شاید چون خودکامان اقتدار درگیر حفظ قدرتند که به این آسانی دچار فراموشی می‌شوند، و شاید تا ما بدانیم که همهٔ داستان، حفظ قدرت به هر قیمت و با تمسک به هر ابزار است، و این که دین را هم می‌توان بازیچهٔ امیال خودکامگی ساخت.

اخبار کوتاه

پایان محکومیت سعید نورمحمدی

سعید نور محمدی ازفعالان انتخاباتی کمیته جوانان میرحسین موسوی با پایان یافتن دوران محکومیت خویش آزاد شد. سعید نور محمدی از اعضای شاخه جوانان حزب مشارکت و از بازداشت‌شدگان هدای کمیل کشور که در منزل شهاب‌الدین طباطبایی برگزار شده بود، با پایان یافتن دوران محکومیت خود از زندان آزاد شد.

محمد نوری‌زاد به مرخصی آمد

به گزارش تحول سبز، محمد نوری‌زاد با موافقت مراجع قضایی و پس از گذشت بیش از دو ماه از اعتصاب غذای مجدد خود در زندان به مرخصی آمد. وی که بیش از این در ایام نوروز به مرخصی آمده بود و در پی دیداری که برخی مسئولان با ایشان داشتند به زندان فرخوانده شده بود.